

فضول باشی ورزش و اختلافات فوتبالی استان

فضول باشی در تماس تلفنی گفت: نمی خواستم برای این شماره نشریه با تو سخن بگویم. چرا که زیاد حرف زدن آدمی را سبک می کند. حرف آدم و راج نمی تواند تاثیر گذار باشد. اگر بتوانم خودم را کنترل بکنم تصمیم گرفته ام که در هر ماه دو بار با تو سخن بگویم . هر چه کمتر ، بهتر.

می دانی تو هم آدم جگرداری نیستی. هرآنچه را که می گویم نمی نویسی، آنهایی که کبریت بی خطر ممتاز هستند، سوا می کنی و نقل و قول می نمایی، نترس، می خواهند چه کارت بکنند، پست و مقام و میز و صندلی و منشی و راننده ات را می گیرند؟ یک خودکار و چند ورق کاغذ که این همه ترسیدن ندارد. گفتم: مؤمن خدا ترس، به من یاد داده اند سری که درد نکند دستمال نبندم . تا موردی برایم روشن نشود به آن نمی پردازم. حال تو مختاری که هر طور دلت خواست فکر بکنی و حرف بگویی. من سبک و روش خودم را دارم و آن را با هیچ چیز معامله نمی کنم. فضول باشی سری تکان داد و گفت: فعلا با تو هم می سازیم تا چه پیش آید. راستی وضعیت تعیین تکلیف کاندیداهای هیات فوتبال استان به کجا انجامید؟ چرا این رشته زیبا در استان ما طلسم شده است؟ چرا نباید قضیه را برای همیشه حل بکنند تا اجازه ندهند عده ای بر اساس منافع و تفکر و سلیقه خود رفتار کنند. مسئله خیلی ساده است. کشمکش های موجود در بین پیشکسوتان ، دست اندرکاران، هواداران و علاقه مندان به فوتبال با هیات و اداره کل ورزش و جوانان به کنار، آیا حل کردن مشکل به وجود آمده بین اداره کل و هیات استان آن قدر سخت و پیچیده و لاینحل و طاقت فرساست که علی ر غم گذشت بیش از سه سال نسبت به حل آن موفق نشده اند؟

حرف خود را با حرارت بیشتر و چهره ای برافروخته ادامه می دهد. در استانی که آقایان و حضرات مدعی راه اندازی مگا پروژه ها، رفع مشکل بیکاری، راه اندازی بندر خشک و تر و به سامان رساندن راه آهن و پتروشیمی و دهها و صدها طرح و پروژه هستند، آیا توانایی حل این مشکل را ندارند. در کشور ما که مرسوم است هر جا مشکلی و حادثه ای پیش می آید بلافاصله کمیته علت یاب تشکیل می شود. آیا شدنی نیست که مسؤولین استان احکامی به نام دوستان، اطرافیان و آشنایان نشان صادر کرده و آنها را مامور مشخص کردن علت این اختلاف ها نمایند؟ و در نهایت این کمیته رای به مقصر بودن هر کدام از طرفین که داده

باشد شبانه او را از کار برکنار بکنند و اگر به این نتیجه رسیدند که هر دو مدیر در وضعیت به وجود آمده به طور مساوی مقصرند در برکناری با قدرت هر دو تردیدی به خود راه ندهند؟ فوتبال مسخره شده است . عده ای نمی خواهند کاخ حافظ را از دست بدهند و جمعی نیز دوست ندارند آنها کلید دار حافظ باشند، در این میان گناه و تقصیر فوتبال و جوانان و علاقه مندان چیست؟ آیا حتما فوتبالی ها با سازی که آقایان می نوازند باید رقص بکنند و کسی به داد آنها نرسد و فریادشان را نشنود. مطمئن باشید که تاریخ مقصران این وضع و سردمداران تفرقه و نابودی فوتبال استان را نخواهند بخشید.